

فرهنگ آموزشی

ژاپن

مقایسه الگوی آموزش و مدرسه‌داری

ژاپن و آمریکا

ریوکو تسونه یوشی

ترجمه

دکتر ابوالفضل بختیاری

(عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان)

بهمکاری

دکتر علیرضا رضائی

(عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)

سحر آقائی جم

(بزه‌شگر آموزشی)



انتشارات آوای نور

برنام خرداومز فرینگ و راسر

سرشناسه	: تسونه یوشی، ریوکو کاتو، ۱۹۶۱-م. Tsuneyoshi, Ryoko Kato
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ آموزشی ژاپن: مقایسه الگوی آموزش و مدرسه داری ژاپن و آمریکا/ ریوکو تسونه یوشی: ترجمه ابوالفضل بختیاری، با همکاری علیرضا رضائی، سحر آقائی جم؛ ویراستار علمی حسن رحیمی.
مشخصات نشر	: تهران: آوای نور، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۴۴۵-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: عنوان اصلی: The Japanese model of schooling : comparisons with the United States, 2۰۰۱. آموزش و پرورش -- ژاپن -- مطالعات میان فرهنگی Education -- Japan -- Cross-cultural studies آموزش و پرورش -- ایالات متحده -- مطالعات میان فرهنگی Education -- United States -- Cross-cultural studies مدرسه‌ها -- ژاپن -- مدیریت و سازماندهی -- مطالعات میان فرهنگی School management and organization -- Japan -- Cross-cultural studies مدرسه‌ها -- ایالات متحده -- مدیریت و سازماندهی -- مطالعات میان فرهنگی School management and organization -- United States -- Cross-cultural studies آموزش تطبیقی Comparative education شناسه افزوده شناسه افزوده رده بندی کنگره رده بندی دیویی شماره کتشناس، مل،



فرهنگ آموزشی ژاپن (مقایسه الگوی آموزش و مدرسه داری ژاپن و آمریکا)

تألیف: ریوکو تسونه یوشی

ترجمه: دکتر ابوالفضل بختیاری (عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان)

بهمکاری: دکتر علیرضا رضائی (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)

سحر آقائی جم (پژوهشگر آموزشی)

ویراستار علمی: دکتر حسن رحیمی (عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان)

ناشر: انتشارات آوای نور

چاپ اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۴۴۵-۱

تهران - میدان انقلاب - خ ۱۲ فروردین - خ شهید وحید نظری، پلاک ۹۹ - طبقه دوم

تلفن: ۶۶۹۶۷۳۵۶ - ۶۶۹۶۷۳۵۵ / دورنگار: ۶۶۴۸۰۸۸۲

قیمت ۲۸۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر و مترجم محفوظ است

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۱۳
فصل اول: الگوهای پرورش کودک	Error! Bookmark not defined.
فصل دوم: مدل های اساسی مدرسه در آمریکا و ژاپن	Error! Bookmark not defined.
فصل سوم: الگوهای اساسی در عمل .	Error! Bookmark not defined.
فصل چهارم: ظهور مدل مدرسه ژاپنی: تصاویری از گذشته.....	Error! Bookmark not defined.
فصل پنجم: مدل ژاپنی تحت حمله تغییرات در الگو	Error! Bookmark not defined.
فصل ششم: تازه واردهای کلاس درس ژاپنی	Error! Bookmark not defined.
فصل هفتم: موضوعات و نگرانی های موازی	Error! Bookmark not defined.
پیوست.....	Error! Bookmark not defined.

به ژاپن باید به مثابه آیین نگر است، نه یک راهکار

(وایت ۱۹۸۷)

پیشگفتار

فرهنگ ژاپن^۱، توجه جهانیان را به خود جلب کرده است. توسعه و پیشرفت حیرت انگیز ژاپن از حدود دهه هفتاد میلادی به بعد و سربرآوردن دگر باره و قفنوس وار آن از خاکسترهای جنگ، موجب حیرت و حسرت مردم جهان شده است. همچنین پیشرفتهای نظام آموزشی این کشور، توجه بسیاری از محققان، معلمان، مدیران و مربیان تربیتی را جلب کرده است. علاقه‌مندان به مباحث آموزشی (پرورشی) در باب علل و عوامل توفیقات دانش آموزان ژاپنی در آزمون‌های بین‌المللی (TIMSS, PIRLS, PISA) بسیار می‌شنوند. ادعا می‌شود آموزش و پرورش (و آموزش عالی) این کشور همچون دیگر پدیده‌ها و کالاهای با کیفیت آن، در رتبه‌های برتر در جهان قرار دارند، اگرچه خود ژاپنی‌ها چنین ادعایی ندارند. پژوهشگران تربیتی بسیاری در مطالعات خود (از جمله سرکارآرانی؛ لویی؛ وگل؛ دوئی؛ ماتسودا؛ فوکوزاوا؛ بنجامین؛ وایت، مدنی؛ نقی‌زاده؛ رولن؛ بیورک؛ افشین منش، حسنی، نفیسی؛ بختیاری و...) به توفیقات و پیشرفتهای نظام آموزشی ژاپن پرداخته‌اند که نکته‌هایی از آن‌ها را در این مختصر می‌آوریم، ولی نکته قابل توجه اینست که برای شناخت هر کشور باید فرهنگ آن کشور را شناخت و در صورت لزوم، از آن بهره برده اما بسیاری از علاقه‌مندان به مباحث آموزشی بر این باورند که نمی‌توان با شناخت مجموعه ارزش‌های ژاپن، آن الگوهای موفق را یک شبه در نظام آموزشی (به ویژه در مدرسه و دانشگاه) به کار برد. نگارنده این سطور که در چند سال اخیر به مطالعه فرهنگ آموزش و مدیریت ژاپنی علاقه‌مند گردیده و به تفکر و تأمل در این مقوله پرداخته، معتقد است برای شناخت فرهنگ خود، باید سایر فرهنگ‌ها را شناخت، ولی پرورش نیروی انسانی ماهر، دانا و توانا یکی از رازهای توفیق ژاپنی‌هاست و لازم به تأمل و تعمق بیشتر است. با این حال، مشاهده توفیق این کشور در عرصه‌های گوناگون، سؤالاتی مطرح می‌شود؛ از جمله این‌که: چرا ملت و دولت ژاپن تا این حد به بالندگی (پرورش یا تربیت) منابع انسانی تأکید دارند (طوسی، ۱۳۷۰)؟ چرا کشور ژاپن با

۱. برای اطلاع بیشتر ر ک ←

- ابوالفضل بختیاری (خرداد ۱۳۸۸)، فرهنگ آموزشی ژاپنی‌ها، پژوهشنامه آموزشی، ش ۱۱۰، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

- ابوالفضل بختیاری و کبری مصدقی نیک (۱۳۹۱)، درس پژوهی (تدریس پژوهی). تهران: آوای نور

- ابوالفضل بختیاری و یوسف ایرانی (۱۳۸۱). اقدام پژوهی (روش تحقیق عملی). تهران: لوح زرین

حدود ۱۲۰ میلیون جمعیت در مساحتی حدود مساحت استان خراسان توانسته است به پیشرفت‌های اعجاب انگیزی برسد. چرا در ژاپن به تربیت معلمان و آموزش و پرورش دوران کودکی اینقدر اهمیت می‌دهند، چرا بیشترین سرانه ناخالص ملی صرف آموزش و پرورش دوران ابتدایی (و پیش دبستانی) میشود (افشین منش ۱۳۷۹)، در نظام آموزشی ژاپن چرا به تربیت اجتماعی، رعایت حقوق دیگران، پرورش شهروند خوب، مراعات حال دیگران، کارگروهی (تیمی) توجه میشود (سرکارآرانی ۱۳۷۹). در اینجا علاقه مندم برای پاسخی هرچند اندک به این پرسش‌ها، پاره‌ای از ویژگی‌های فرهنگ مردم این کشور را بیان کنیم، ان شاء الله در فرصتی دیگر اگر توفیق باشد به شرح و بسط آن‌ها خواهیم پرداخت:

۱- توجه و تأکید بسیار دولت و ملت ژاپن به آموزش و پرورش کودکان ۲- شوق یادگیری ۳- شوق تغییر ۴- پرورش حس اعتماد به نفس ۵- توجه به کار گروهی (تیمی) ۶- سخت کوشی ۷- تمدن و فرهنگ ژاپن موجب پیشرفت و توسعه ژاپن شده (فوکوزاوا) ۸- اعتماد ۹- کیفیت بالا کالا و خدمات ژاپنی ۱۰- خودباوری و خوداتکایی ۱۱- صرفه‌جویی و قناعت ۱۲- نظم و انضباط ۱۳- استفاده صحیح از زمان (مدیریت زمان) ۱۴- توجه و اهمیت زیاد به آموزش و پرورش دوره پیش دبستانی و ابتدایی ۱۵- اهمیت زیاد به شادی، شادابی و بازی در مدارس ۱۶- توجه به علائق و سلائق دانش آموزان ۱۷- برنامه درسی ژاپنی‌ها مقتصدانه است (برنامه درسی مختصر و مفید) ۱۸- توجه به کارهای عملی (کاربردی) در مدرسه ۱۹- توجه به توسعه درون‌زا ۲۰- پرورش مهارت‌های ویژه در مدارس ۲۱- گسترش مهارت‌های مربوط به رشد عاطفی ۲۲- اهمیت زیاد به تربیت اجتماعی ۲۳- مدرسه محلی برای زندگی بچه‌ها ۲۴- احساس تعلق به مدرسه ۲۵- معلمان مریبان‌اند، نه مستبد ۲۶- تأکید و توجه به رفتار رفاقتی نه رقابتی ۲۷- توجه به روابط انسانی، پیوندهای عاطفی و صمیمیت [جو دوستانه] ۲۸- توجه به رفتار گروهی (تیمی) ۲۹- سنت‌ها و ارزش‌های ژاپنی مهم‌اند ۳۰- عدم توجه (تاکید) بر محفوظات (حفظیات) ۳۱- پرورش روح همکاری جمعی (گروهی) ۳۲- توجه به مهارت‌های زندگی ۳۳- پرورش عادات و آداب‌هایی که در زندگی اجتماعی ضروری است ۳۴- رشد و پرورش هماهنگ روح و جسم ۳۵- رشد و پرورش مهارت‌های اساسی در موسیقی و هنرهای زیبا ۳۶- شادمانی، شادی (شادابی) در مدارس اهمیت دارد ۳۷- توجه و تأکید بر مهارت‌های تفکر (تأمل = تعمق) ۳۸- حجم کتاب‌های درسی کم است ۳۹- جایگاه و منزلت معلم بسیار بالاست ۴۰- برنامه درسی دوره ابتدایی فعالیت محور است ۴۱- برنامه درسی بصورت متمرکز طراحی می‌شود ۴۱- وزارت آموزش و پرورش بر تألیف کتاب‌های درسی نظارت دارد ۴۳- کتاب‌های درسی، مطالب و اطلاعات ضروری و کلیدی ارائه می‌کند

تعلیم و تربیت ژاپن، بعنوان عنصر کلیدی در تغییر و تحولات کشور بوده است.

(رولن)

۴۴- ورود به شغل معلمی بسیار سخت و دشوار است (بهترین‌ها معلم می‌شوند) ۴۵- در مراکز پیش دبستانی و ابتدایی، بیشتر مربیان و معلمان خانم هستند ۴۶- تقریباً در مدارس ابتدایی مردودی وجود ندارد ۴۷- همه درس‌ها مهم اند (فقط ریاضی و علوم مهم نیستند) ۴۸- آموزش و پرورش قلبها و اندیشه‌ها، پرورش مغز (ذهن اندیشه) با دل‌ها ۴۹- هماهنگی و همراهی خانه و مدرسه (حمایت پدرها مادرها از مدرسه) ۵۰- آموزش و پرورش یکسان برای همه ۵۱- شرایط سخت برای مدیر مدرسه شدن (حتماً باید فرد معلمی کرده باشد که بتواند داوطلب مدیریت مدرسه شود) ۵۲- فرهنگ مدارس از فرهنگ سنتی ژاپن (روح ژاپنی) نشئت گرفته است (ماتسودا، ۱۴) ۵۳- آموزش و پرورش ژاپن تا حدود زیادی فرهنگی است و مبتنی بر فرهنگ ژاپن (سرکارآرانی و لوئیس، ص ۱۸) ۵۴- فرهنگ آموزش و یادگیری در ژاپن بیشتر بر همکاری، مشارکت و فعالیت گروهی تاکید دارد (سرکارآرانی ۱۳۸۱)، ۵۵- در مدارس ژاپن از رقابت وجداسازی دانش آموزان پرهیز می‌کنند، ۵۶- توجه به توانایی‌های فردی دانش آموزان ۵۷- فرصت یادگیری به صورت گروهی [خلق و ایجاد فضای یادگیری تیمی] ۵۸- در ژاپن به فرآیندها بیش از نتایج (پیامدها) اهمیت داده می‌شود ۵۹- معلمان ژاپن بیشتر بر "فهم مسئله" پافشاری می‌کنند (لوئیس) ۶۰- ژاپنی‌ها در آموزش عمومی بر مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های زندگی و روابط انسانی بسیار تأکید می‌ورزند (دوئی، سرکارآرانی و لوئیس) ۶۱- توجه به پرورش موزون قلب ♥، ذهن و دست‌های کودکان در مدارس ژاپن، ۶۲- فرصت‌های آموزشی برابر برای همه ۶۳- همه بچه‌ها حق دارند بر حسب استعدادهایشان از آموزش یکسان برخوردار گردند، ۶۴- آموزش پیش دبستانی [و مهدکودک‌ها] با دریافت شهریه از والدین ارائه می‌شود ۶۵- مدت زمان کلاس درس ابتدایی ۴۵ دقیقه، و متوسطه ۵۵ دقیقه است، ۶۶- شهرداری‌های از مدارس حمایت می‌کنند (تأمین بخشی از هزینه‌های مدارس)، ۶۷- نظام آموزشی به روش‌های فعال روی آورده‌اند ۶۸- پژوهش مشارکتی معلمان در کلاس درس (مطالعه درس / درس پژوهی) در مدارس ژاپن بسیار مورد توجه و تاکید است ۶۹- معلمان مدام در حال آموزش و یادگیری هستند

به ژاپن باید بعنوان یک آئینه نگاه کرد، نه به یک الگو. ما با شناخت بیشتر از ژاپن، خودمان را بهتر (بیشتر) می‌شناسیم.

(نقی‌زاده ۱۳۷۰)

(آموزش‌های ضمن خدمت سخت مورد توجه است)^۱، ۷۰- حقوق معلمان مکفی است، معلمان دغدغه معیشت ندارند، ۷۱- انجمن معلمان ژاپن بر بسیاری از رویه‌ها، برنامه‌های آموزشی و تصمیمات آموزش و پرورش نظارت دارد، ۷۲- یادگیری مداوم در ژاپن بسیار حائز اهمیت است، ۷۳- پدیدهٔ تعلیم و تربیت نقش کلیدی را در پویایی اقتصادی ژاپن دارد (رولن)، ۷۴- ژاپنی‌ها از دیرباز استعداد خوبی برای اقتباس کردن از خود نشان داده‌اند (رولن)، در ژاپن اقتباس و تقلید [به خودی خود] تحقیرآمیز قلمداد نمیشود، ۷۵- در ژاپن به "کاربرد عملی فناوری" توجه می‌شود، ۷۶- تفکر سیاسی حاکم بر ژاپن، احترام به تعلیم و تربیت و خودسازی است، ۷۷- نظم اجتماعی، سعادت افراد، غنای تمدن، همه بر مطالعه و رشد فردی تکیه دارند، ۷۸- آموزه‌های کنفوسیوسی، ارتقاء اجتماعی براساس "شایسته‌سالاری" از آرمانهای خود قرار داده است، ۷۹- بهترین افراد برای اداره جامعه و کشور افرادی هستند که اهل خرد و دانش- اند [انتخاب افراد براساس شایسته‌سالاری] ۸۰- نظم اجتماعی، وظیفه‌شناسی فردی و فضائل اخلاقی همه و همه به آموزش متکی‌اند، ۸۱- مطالعه (تحقیق)، تحصیل، آموزش، یادگیری قرائت [خواندن] کتابت [نوشتن] در ژاپن قرن‌ها مورد تکریم و ستایش بوده است، ۸۲- تفکر جامعه‌مدار کنفوسیوسی، منافع تحصیل علم را عمدتاً منافع جمعی و معنوی می‌پندارند، ۸۳- نقش منابع انسانی در توسعه اقتصادی ژاپن قابل توجه است، ۸۴- راهبردهای توسعه در ژاپن، حاصل پیشرفت‌های آموزش این کشور است، ۸۵- اصول اخلاقی، همچون وفاداری، عدالت، صداقت، انسانیت و آداب اجتماعی از سالهای پیش مورد توجه سردمداران [حاکمان] بوده است، ۸۶- ژاپن از سال ۱۸۶۷، جلوتر از بسیاری از کشورهای اروپائی خود را متعهد به تحصیل اجباری ملت میدانست (رولن)، ۸۷- پیام یکی از رهبران ژاپن (۱۸۶۷): اگر بخواهیم آحاد مردم در درازمدت به خصوصیات نیکو متصف شوند، راهی جز تعلیم و تربیت

۱. رک ← محمدرضا سرکارآرانی (۱۳۹۶)، درس پژوهی. ویراست سوم، تهران: مرآت، چاپ ششم - محمدرضا سرکارآرانی (۱۳۹۵)، در تمنای یادگیری. تهران: مدرسه و شرکت سهامی افست

نداریم [کیدو تاکایاشی]، ۸۸- در ژاپن هرگز تاکید بر روی آموزش عالی، توسعه مستقل علوم پایه یا فناوری پیشرفته نبوده، بلکه تاکید عمده روی افزایش سطح دانش عمومی جامعه بطور عام بود، ۸۹- در نظام آموزشی ژاپن، هدف اصلی یادگیری، "کسب دانش کاربردی" بود، ۹۰- ژاپن پس از دوران جنگ، از برخی جهات از مربیان خود پیشی گرفت [رولن]، ۹۱- در نظام آموزشی ژاپن، توانایی خواندن زبانهای خارجی مورد توجه قرار گرفت و دانشجویان اهل فکر و اندیشه [مستعد - نخبه] ترغیب شدند که برای تحصیلات عالی به خارج بروند، ۹۲- تعلیم و تربیت ژاپنی تاحدی منبعث از الگوهای غربی بوده، اما جهتگیری اخلاقی و ارزشهای بنیادی آن کاملاً ژاپنی باقی ماند^۱، ۹۳- اقتدار معلم و وزارت آموزش و پرورش کاملاً پذیرفته شده و جدی است. در ژاپن، ملت و دولت برای پشتیبانی از آموزش (پرورش) بچه‌ها بسیج شده‌اند (وایت ۱۹۸۷)، ۹۴- حسن استفاده از فرصت‌ها، مهارت اساسی در پیشرفت ژاپنی‌هاست (وایت ۱۹۸۷)، ۹۵- در ژاپن، هر چیزی که به آسانی بدست بیاید، فضیلت محسوب نمیشود، ۹۶- رشد همه جانبه شخصیت کودک در مدارس ژاپنی مورد توجه و تاکید است، ۹۷- سختکوشی، قناعت، صرفه جوئی، نظم، انضباط استفاده صحیح از وقت (زمان) از ویژگی‌های ژاپنی‌هاست، ۹۸- در مدارس ابتدایی "پرورش حس اعتماد به نفس" مورد توجه معلمان است، ۹۹- شوق یادگیری در مدارس ترویج میشود، ۱۰۰- در ژاپن اولین و مهمترین شیوه زندگی، زندگی گروهی است (وایت ۱۹۸۷)، ۱۰۱- در آموزه‌های ژاپنی، میزان مشارکت فعالانه و مسئولیت پذیری نسبت به اجتماع اهمیت دارد (وایت)، ۱۰۲- آمریکا و ژاپن در ابعاد اجتماعی دو قطب متفاوت‌اند، ۱۰۳- والدین، معلمان، مربیان و جامعه ژاپنی به یادگیری اعتقاد دارند، ۱۰۴- ژاپن، بصورت جامعه‌ای متعهد به کودکان و آموزش نشان داده میشود، ۱۰۵- در ژاپن، آموزش، برای رشد صنعتی، همبستگی ملی، منزلت سیاسی - بین‌المللی، رشد شخصی، ساخت [پرورش] خصایل اخلاقی، ثبات فرهنگی و ایجاد و حفظ روابط متقابل فردی، نقش اصلی را دارد، ۱۰۶- پژوهشگران تربیتی جهان معتقدند: مدارس امروزی ژاپن، همانند جامعه امروزی ژاپن مدرن هستند، ولی غربی نیستند (سرکارآرانی، دوی، وایت ۱۹۸۷، ۲۱)، ۱۰۷- تاکید بر کار گروهی (تیمی) در مدارس ژاپن (وگل ۱۹۷۹، سرکارآرانی ۱۳۸۱، بختیاری ۱۳۸۷)، ۱۰۸- انعطاف فکری، نوپذیری (نوجوئی)، نوسازی اعجاز آمیز ژاپن (وگل ۱۹۷۹)، ۱۰۹- پشتکار، سختکوشی، اعتقاد به کار، کار - کار! (شوق به کار) و مسئولیت‌پذیری، ۱۱۰- اقدام به دیگران،

۱. ادعا میشود ژاپن الگوهای غربی را گرفت با سنت‌ها، باورها، هنجارها و ارزشهای ژاپنی در هم آمیخت و در این کار بسیار موفق بود، ژاپن کهن را کهنه نپنداشت و کهن را با نوین (نو) با هم تلفیق کرد (بختیاری، ۱۳۸۷).

۱۱۱- روح همکاری دسته جمعی (گروهی)، ۱۱۲- تاکید بر جنبه‌ی کاربردی (عملی) آموزش، ۱۱۳- دانش آموزان در کارهای مدرسه و کلاس مشارکت فعال دارند، ۱۱۴- مدرسه در ژاپن، محل زندگی دانش آموزان است، ۱۱۵- بازی و شادابی در مدارس مورد توجه است، ۱۱۶- پرورش حس مسئولیت‌پذیری در مدارس، ۱۱۷- تاکید بر رفاقت به جای رقابت، ۱۱۸- همکاری و مشارکت در نظافت مدرسه، ۱۱۹- همکاری بسیار نزدیک خانواده (اولیاء) با مدارس (معلمان)، ۱۲۰- تاکید بر رشد و پرورش اجتماعی (بنجامین ۱۹۹۷)، ۱۲۱- آموزش و پرورش عمومی (به ویژه دوره ابتدایی) ژاپن از کیفیت بالایی برخوردار است (سرکارآرانی ۱۳۸۱، ص ۱)، ۱۲۲- ازرا و گل (استاد دانشگاه هاروارد): کودکان ژاپنی که دوره آموزش عمومی خود را در مدارس آمریکا به پایان می‌رسانند، وقتی به ژاپن برمیگردند، یک تا دو سال در درسهای علوم طبیعی و ریاضیات از همسالان خود که در ژاپن تحصیل کرده‌اند، عقب‌ترند. وایت (۱۹۸۷): موفقیت آموزش و پرورش ابتدایی ژاپن، به ویژه در پرورش اجتماعی و اخلاقی و مهارتهای زندگی (White, ۱۹۸۷) کامینگز (۱۹۸۰) و لوئیس (۱۹۹۵) و سرکارآرانی (۱۳۸۱) و بسیاری از پژوهشگران، آموزش و پرورش ژاپن را در حوزه خواندن، هنر، موسیقی و مطالعات اجتماعی از آمریکا موفق‌تر میدانند (سرکارآرانی ۱۳۸۱، ص ۲)، ۱۲۳- توجه خانواده‌ها به آموزش و پرورش کودکان، ۱۲۴- توجه دولت به معلمان مدارس، ۱۲۵- توجه جدی نظام آموزشی پرورش حرفه‌ای معلمان، ۱۲۶- توجه به پرورش همه جانبه کل شخصیت کودک (سرکارآرانی)، ۱۲۷- تاکید بر ارزشهای اجتماعی ایجاد حس تعلق به مدرسه و کلاس درس، ۱۲۸- ژاپنی‌ها، کوشیده‌اند شادی (شادابی)، بازی، حرکات موزون [رقص] و لذت را با فرآیند یادگیری بیامیزند، ۱۲۹- در مدارس هیچ دانش‌آموزی از مشارکت در فعالیت‌ها منع نمی‌شود (بنجامین ۱۹۹۷)، ۱۳۰- مردم ژاپن به آموزش و پرورش منابع انسانی خود بسیار اهمیت داده‌اند (طوسی ۱۳۷۳)، ۱۳۱- آئین بودا چه آموزه‌های تربیتی دارد (ادعای اینکه ۷۰ درصد مردم ژاپنی پیرو آئین بودا و همچنین "شینتو" باشند)، ممکنست یک فرد هم پیرو "شینتو" و "بودا" باشند، ۱۳۲- مدارس ابتدایی ژاپن، بهشتی برای کودکان (وایت ۱۹۸۷) همکاری خانه و مدرسه، ۱۳۳- ۹۳ درصد جمعیت ژاپن با سوادند (وایت ۱۹۸۷) این عدد در آمریکا ۸۰ درصد، ۱۳۴- ژاپن نماد تلاش و کوشش (وایت ۱۹۸۷)، ۱۳۵- مادران ژاپنی، سختگیرانه مراقب انجام

۱. ادعا شده در ژاپن، ۸۰ درصد مردم به هیچ دین اعتقاد ندارند و در عین حال ۷۰ درصد آنها خود را پیرو آئین شینتو و نزدیک به ۷۰ درصد بودائی هستند.

- فوکوزاوا یوکیچی (۱۳۷۹). نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان. تهران: نشر گویو.

تکالیف کودکان در خانه‌اند (وایت ۱۹۸۷)، ۱۳۶- نظام آموزشی ژاپن را میتوان بعنوان یک الگو مورد مطالعه قرار دارد، ۱۳۷- مدارس ژاپنی و تجربیات کودکان ژاپنی در عمق واقعیت‌های فرهنگی و روانی آنها ریشه دارد (وایت)، ۱۳۸- توجه به ارزشهای جمعی در ژاپن، مدارس غربی توجه به فردگرایی و ارزشهای فردی، ۱۳۹- ژاپن و آمریکا در بسیاری از ابعاد اجتماعی در دو قطب مخالف قرار دارند، ۱۴۰- شخصیت دانش آموزان در دوره ابتدایی شکل میگیرد، ۱۴۱- تمرکز فعالیتهای کلاس و مدرسه‌ای [ابتدایی] عمدتاً بر رشد عاطفی - اجتماعی و پرورش ابعاد مختلف شخصیت کودکان است، ۱۴۲- دانشگاه‌های ژاپنی، در مقایسه با دیگر کشورهای پیشرفته جهان، در تولید علم [خاص در علوم پایه] نقش جدی ایفاء نمیکنند، ۱۴۳- یادگیری در محل کار [مدرسه] مورد توجه است، ۱۴۴- ژاپن جامعه‌ای است مبتنی بر شایسته سالاری (رولن)، ۱۴۵- در **آزمون‌های بین‌المللی** پیشرفت تحصیلی علوم و ریاضی دانش آموزان ژاپنی، تقریباً در جهان مقام نخست را دارا بوده‌اند (رولن)، ۱۴۶- از نظر **میزان مطالعه**، ژاپنی‌ها بالاترین میزان مطالعه را دارند (رولن، بیورک)، ۱۴۷- در ژاپن ۹۰ درصد دانش آموزان کلاس دوازدهم را با موفقیت پشت سر میگذارند [این درصد در آمریکا ۷۳ و در اروپا ۵۰ درصد است] (رولن ص ۱۳)، ۱۴۸- **نسبت دانش‌جویان پسر ژاپنی** که تحصیلات دانشگاهی را به اتمام می‌رسانند بالاتر از سایر نقاط جهان است (رولن)، ۱۴۹- در مدارس ابتدایی [دانش آموزان] باید **هنر** و موسیقی را در سطح عالی بیاموزند [رولن]، ۱۵۰- مدیریت مشارکتی رمز اصلی موفقیت در تولید شمرده میشود (رولن، ۱۶)،

همگان ژاپن را به عنوان یک کشور پیشرو در تکنولوژی و صنعت می‌شناسند و بسیاری از صاحب‌نظران نیز ریشه‌های این پیشرو بودن را در ساختار نظام آموزشی این کشور جستجو می‌کنند. خوشبختانه صاحب‌نظران کشور ما نیز کم و بیش با نظام آموزشی این کشور آشنا هستند و اغراق نیست اگر بگوییم که در ایران همواره این سیستم آموزشی ژاپن یک سیستم موفق و کارآمد به حساب می‌آید.

مسئلاً نقاط قوت سیستم آموزشی ژاپن را نمی‌توان منکر شد، اما ما هنگامی می‌توانیم به یک درک نسبتاً جامع و صحیحی از این سیستم برسیم که آن را در کنار سایر سیستم‌های آموزشی دنیا قرار داده و مقایسه کنیم.

کتابی که در دست دارید نیز این رویکرد را در پیش گرفته است و سعی دارد از طریق مقایسه نظام آموزشی این کشور با نظام آموزشی آمریکا، خواننده را با زوایای جدیدی از قابلیت‌های تعلیم و تربیت ژاپن آشنا کند.

همانگونه که خود نویسنده کتاب اذعان می‌کند، معمولاً از کشور ژاپن و علی‌الخصوص مدارس آن به عنوان نماد جمع‌گرایی یا گروه‌گرایی، و از کشور آمریکا به عنوان نماد فردگرایی یاد میشود. در این کتاب، نویسنده با پرداختن به این موضوع، سعی در تبیین جنبه‌های مختلف این مفاهیم دارد و با یادآور شدن مفهوم خودجوشی یا خودمختاری در کلاس‌های درس ژاپن، در پی ارائه تعریف جدیدی از جمع‌گرایی و فردگرایی است. چرا که جمع‌گرایی مشاهده شده در کلاس‌های درس ژاپن، صرفاً به معنای تقلید دسته‌جمعی از یک امر نیست، بلکه معلمان ژاپنی سعی دارند با دادن اختیار عمل به دانش‌آموزان، تک‌تک آنها را خودجوش و خودمختار بار آورند و به بیان صحیح‌تر فردیت آنها را در جمعیت جستجو می‌کنند.

امید است این اثر برای علاقه‌مندان به فرهنگ آموزش و یادگیری کشور ژاپن، و به ویژه برای دانشجویان علوم تربیتی، روانشناسی، دانشجو معلمان، کارشناسان آموزشی، مفید و موثر واقع شود.

در پایان از عنایت و حمایت آقایان دکتر حسین خنیفر (استاد دانشگاه تهران)، دکتر محمدرضا سرکارآرانی (استاد دانشگاه ناگویای ژاپن)، آقای دکتر علیرضا رضایی، و خانم سحر آقایی جم برای همکاری در ترجمه این اثر تقدیر و تشکر می‌کنم، همچنین از همکاری خانم اکرم ابوالقاسمی (مدیر محترم پیش دبستان و دبستان غیردولتی امید آینده) در چاپ این اثر تشکر و قدردانی می‌نمایم.

ابوالفضل بختیاری

معلم، پژوهشگر فرهنگ آموزشی ژاپن
و مدرس کشوری درس پژوهی و اقدام‌پژوهی
(دانشگاه فرهنگیان)

مقدمه

تلاش برای رسیدن به هدف در یک دوره عدم اطمینان

آموزش و پرورش در آمریکا با یک بحران هویتی^۵ رو به رو است. همانطور که تیاک و کیوبان^۶ در تحلیل خود از پیشینه اصلاحات^۷ آموزشی در آمریکا اشاره می‌کنند، به نظر می‌رسد در مقایسه با گذشته، «پسرفت در مدارس دولتی برای بسیاری از مردم به همان شدتی در حال رخ دادن است که در یکصد سال گذشته پیشرفت حاصل می‌شد» (تیاک و کیوبان، ۱۹۹۵، ص ۱۳). در چند دهه‌ی گذشته، مسئولین آموزش و پرورش آمریکا با انتقادهایی درباره عملکرد پایین دانش آموزان آمریکایی در آزمون‌های بین‌المللی و موضوعات راهبردی از قبیل ریاضیات و علوم روبرو بوده‌اند. اینک شکاف بین داشته‌ها و نداشته‌ها به نظر بزرگ‌تر از هر زمان دیگر می‌آید. «تعارضات فرهنگی»^۸ (هانتر^۹، ۱۹۹۱) همراه با تلاش مردم برای ارائه باز-توصیفی از آنچه خانواده‌ها به عنوان مفهوم رابطه، ارزش‌های اصولی و داشتن هویت آمریکایی می‌شناسند در سراسر آمریکا شکل گرفته است. مسئولین آموزش و پرورش و مربیان با توصیه‌های متضاد و اغلب سردرگم کننده و نه روشنی بخش، روبرو بوده‌اند.

در آن سوی اقیانوس آرام، آموزش و پرورش ژاپنی نیز با بحران هویتی دست به گریبان است. به نقل از وزیر آموزش و پرورش ژاپن: «ملت ما از دوره‌ی میجی به بعد همه فکر و ذکرش عقب نماندن و رسیدن به ملت‌های صنعتی غرب بوده است... امروز، ملت ما در حوزه‌هایی چون اقتصاد و فناوری علمی، همپای کشورهای توسعه یافته‌ی غرب است. از این پس، ژاپن باید تلاش کند تا هدف‌های ویژه‌ی خود را داشته باشد و فرهنگ جدید را خلق کند...» (مونبوشو^{۱۰}، ۱۹۹۳، الف، ص ۳). توسط کمیته‌های مختلف دولتی مجموعه پیشنهادهایی را ارائه کرده‌اند که چارچوب کلی استانداردهای آموزش ملی ژاپن را تعیین میکنند بدین گونه که باید آموزش و پرورش ژاپن را در طول سال‌های آغازین قرن ۲۱ هدایت کند. حال بحث پیش آمده

^۵ Identity crisis

^۶ Tyack, D and Cuban, L

^۷ reform

^۸ Culture wars

^۹ Hunter

^{۱۰} مونبوشو (Monbusho) وزارت آموزش و پرورش ژاپن است (م)

این است: همگان نیاز به نوعی تغییر و تحول را قبول دارند، اما وقتی به جزئیات می‌رسند، خبری از همنوایی نیست.

این تمایل و شوق تغییر فقط در زمینه‌ی آموزش و پرورش نبوده است. بلکه چنین گفته شده که جامعه‌ی ژاپن به یک نقطه عطف رسیده است (تنکانکی)، و این شعار در سراسر جامعه‌ی ژاپن طنین‌انداز است. برای نمونه، شرکت‌های بزرگ یا به عبارت دیگر، موتورهای موفقیت اقتصاد ژاپن، در یک دوره‌ی «بازسازی»^{۱۱} (ریسوتورا) قرار دارند و شیوه‌های به اصطلاح ژاپنی، از قبیل استخدام مادام‌العمر و نظام ارشدیت^{۱۲}، مورد تهدید قرار گرفته است. روزنامه‌ها مملو از بحث‌ها پیرامون این که آیا مدیریت ژاپنی کهنه و منسوخ شده و یا فقط نیازمند اصلاحات کوچک است، یا اینکه آیا ژاپن باید خود را با الگوی آمریکایی "رقابت آزاد" منطبق کند و یا راه دیگری را برگزیند.

هر دو کشور با یک دوره‌ی مشابه عدم اطمینان روبرو هستند. هم ژاپن و هم آمریکا به شدت در یک اقتصاد جهانی و یک جامعه‌ی سیاسی که در آن سرنوشت ملت‌ها در هم بافته شده است و پیش بینی آینده مشکل است، فرو رفته‌اند. رشد و شکوفایی نامحدود دیگر برای هیچ یک از این دو جامعه امری مسلم بشمار نمی‌آید. بسیاری از "ارزشهای سنتی"، که زمانی بخش عظیمی از جامعه را متحد میکرد، به نظر میرسید دیگر کاربرد ندارد. ولی در عین حال، هیچ نظریه‌ی قابل مقایسه‌ی دیگری به عنوان جایگزین ارائه نشده است. همچنین هر دو جامعه در زمینه‌های مهم زندگی با تغییراتی بنیادین مواجه هستند، مثل تغییر نقش جنسیتی.

یکی از نگرانی‌های مهم در یک جامعه، چگونگی رشد و تربیت افراد آن جامعه است. این فرآیند جامعه‌پذیری^{۱۳} و تربیت منعکس‌کننده‌ی ارزش‌های بنیادی جامعه یعنی رویاها، ترس‌ها و آینده‌نگری‌های آن جامعه است.

در این دوره‌ی تغییر و تحول، کودکان ژاپنی و آمریکایی با چه شیوه‌ای از تربیت و به چه صورت تربیت می‌شوند و آموزش می‌بینند؟ و چگونه نظام‌هایی این فرآیندها را حمایت می‌کنند؟ این نظام‌ها چگونه مشروعیت می‌یابند؟ الگوها چگونه تغییر میکنند؟ و این مسئله چگونه جابه‌جایی‌های بوجود آمده در این جوامع و جهت‌گیری پیشرفت آنها را منعکس می‌کند؟ این امر چه تبعات و برداشت‌هایی از آموزش قرن ۲۱ برای دیگر کشورها دارد؟ اینها برخی از پرسش‌هایی

^{۱۱} Restructuring = risutora

^{۱۲} Seniority System

^{۱۳} Socialization = جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن

هستند که در کتاب حاضر مورد بررسی قرار میگیرند. هدف از آن، بررسی فرآیند جامعه‌پذیری^{۱۴}، بخصوص آموزش مدرسه‌ای^{۱۵} کودکان است و تمرکز ما بر تعیین، تداوم و تغییرات موجود در دو جامعه‌ی بزرگ صنعتی است که اغلب گفته می‌شود در دو قطب مقابل طیف فرهنگی قرار دارند.

فصل اول، خلاصه‌ای از سنت‌های کهن و وضعیت کنونی روابط اجتماعی دو ملت ژاپن و ایالات متحده را در رابطه با آموزش و پرورش کودکان ارائه میدهد که معمولاً با سردرگمی در مورد چگونگی جامعه‌پذیری نسل بعد در خانواده‌ها و زمانیکه خانواده وارد یک سرزمین جدید می‌شود آغاز می‌شود.

فصل دوم، خلاصه‌ای از ویژگی‌های الگوهای کنونی فرهنگ آموزش در مدارس ژاپن (با تمرکز اساسی بر آموزش و پرورش) در مقایسه با الگوی آمریکایی ارائه میدهد. همانطور که در فصل‌های بعد نشان داده خواهد شد، این نمونه که ترکیبی از اجزای ساختاری و ارزشی است، بیانگر میراث فرهنگی و انحصاری یک جامعه و نیز پاسخی است به تقاضاهای جهانی است. در فصل سوم، مشاهدات آموزش مدرسه‌ای در رابطه با چگونگی عملکرد این الگوها در واقعیت‌های روزمره ارائه می‌شود.

فصل چهارم بر همگرایی تاریخی الگوی مدرسه‌ای ژاپن، در مقایسه با نمونه آمریکایی آن، متمرکز است. در فصل پنجم، به بحث پیرامون تحت فشار بودن الگوی مدرسه‌ی ژاپنی پرداخته خواهد شد و با نمونه مشابه آن در ایالات متحده مقایسه می‌شود. مشکلات آموزشی جدیدی در حال شکل‌گیری هستند و مدرسه‌ها تلاش دارند تا خود را با تنوع فرهنگی دانش‌آموزان و والدینی که تاکنون با آنها روبرو نبوده‌اند تطبیق دهند.

تنوع فرهنگی جامعه‌ی ژاپن و تغییرات مربوطه در طرز تفکر ملی – فرآیندی که در دنیای بی‌مرز و چند فرهنگی رو به افزایش، گریبانگیر ملت‌های دیگر نیز می‌باشد – جزو ویژگی‌های «جامعه قرار گرفته در نقطه عطف» بشمار می‌آید. ولی جامعه ژاپن اغلب به عنوان یک جامعه یکدست^{۱۶} از نظر نژاد و اعتقادات به شمار آمده است، که این طرز تفکر آنقدرها هم درست نیست.

^{۱۴} Socialization

^{۱۵} Schooling

^{۱۶} homogeneous

در فصل ششم، مشاهدات انجام شده در مدرسی را که روز به روز با کودکان بیشتری با فرهنگ‌های مختلف روبرو هستند ارائه میشود - اینها، فرزندان به اصطلاح خارجی‌های «تازه وارد»^{۱۷} را تشکیل می‌دهند. در این فصل همچنین به چالشی که این تغییرات برای الگوی مدرسه‌ی ژاپنی و به اصطلاح یکدستی و یکپارچگی فرهنگی جامعه ژاپن بوجود می‌آورد، پرداخته خواهد شد.

فصل هفتم بر دنیای بیرون از مدرسه^{۱۸} تمرکز میکند. با وجودی که زندگی یک کودک در خارج از مدرسه در ژاپن و ایالات متحده تفاوت‌های عمده‌ای دارد، اما محیط اجتماعی دو کشور وجوه تشابه فراوانی نیز دارد. این فصل به بررسی بعضی از شرایط تعیین کننده و زیربنایی پرداخته و فرهنگ، فضا و بافت اجتماعی مدارس دو کشور را در زمان حاضر بررسی می‌کند.

موضوعاتی از قبیل دگرگونی فرهنگی و اتحاد فرهنگی، مساوات، نا برابری، و کیفیت، نقش آموزش و پرورش دولتی، و رقابتی بودن آن در سطح ملی نمونه‌ای از پرسش‌هایی هستند که هر دو جامعه با آن روبرو هستند - گرچه ممکن است شیوه‌ی رویارویی با آنها متفاوت باشد. به همان طور که ژاپنی‌ها برای بازتوصیف الگوی خود، که یک آموزش و پرورش متمرکز و روبه رشد مبتنی بر استانداردهای درسی ملی پیشرفته است، تحت فشار قرار دارند، آمریکایی‌ها نیز در تلاشند تا با ارائه تعریف جدیدی از آموزش و پرورش تعریفی هستند، که بتواند در جامعه‌ی مبتنی بر دموکراسی مردمی، که در آن، گروه‌های مختلف فرهنگی برای بازسازی نظام موجود با یکدیگر در رقابتند، کارآیی داشته باشد. این دو جامعه، به شیوه‌های مختلف، اما در پاسخ به فشارهای بسیار یکسان، به نظر می‌رسد از هر دو طرف مخالف در حال نزدیک شدن به یکدیگر هستند. برای نمونه، تغییر و تحولات رخ داده در جامعه‌ی آمریکا از قبیل گسترش خشونت^{۱۹}، افزایش شکاف میان دارا و ندار، عدم موفقیت در پیشرفت‌های تحصیلی دانشگاهی، کاهش موفقیت در زمینه‌های فردی و رقابتی و نیز انجام اقدامات غیرهدفمند و غیرضروری و بسیار غیرمتمرکز که الگوی اداره‌ی مدارس دولتی آمریکا در طی سال‌ها بود، هم را زیر سؤال میبرد. از سوی دیگر، نکته‌ی جالب اینجاست که ژاپن تلاش دارد راهی برای کاهش کنترل متمرکز مدارس خود پیدا کند و سامانه‌ای مبتنی بر فردمحوری، رقابت و نظام شناخت چگونگی آموزش

^{۱۷} New comer

^{۱۸} Outside of school

^{۱۹} violence

و سواد در پیش گیرد. این موضوعات در فصل هفتم و بخش نتیجه‌گیری مورد بحث قرار می‌گیرند.

ژاپن و آمریکا دو جامعه‌ی صنعتی هستند که در زمینه‌های فراوانی از جمله آموزش و پرورش کودکان با یکدیگر وجه اشتراک دارند، ولی از نظر سنت‌ها^{۲۰} بسیار متفاوتند. بنابراین، تلاش آنها برای تعیین چگونگی و کیفیت آموزشی مورد نیاز نسل بعد، نه تنها شناختی نسبت به سازوکارهای ترکیب انسانی در این دو کشور را ارائه می‌دهد، همچنین به شناخت بعضی از چالش‌های پیش‌روی جوامع امروزی در این دوره تغییر و تحولات سریع و عدم اطمینان کمک می‌کند.

^{۲۰} tradition